

فهرست مطالب

بخش اول: اصول لفظیه

فصل اول: وضع الفاظ

- مبحث اول: تعریف وضع و انواع آن ۲۳
- گفتار اول: تعریف وضع ۲۴
- گفتار دوم: انواع وضع الفاظ ۲۸
- بند اول: تقسیم وضع از جهت واضح ۲۸
- سطر اول: وضع تعیینی (تخصصی) ۲۸
- سطر دوم: وضع تعیینی (تخصصی) ۳۰
- مبحث دوم: استعمال حقیقی و مجازی ۳۴
- گفتار اول: استعمال حقیقی و مجازی ۳۴
- گفتار دوم: انواع علاقه با همان تناسب و تشابه ۳۵
- بند اول: علاقه مشابَهت (شبهات) ۳۶
- بند دوم: علاقه ماکان (ماکان یعنی آنچه قبلا بوده) ۳۸
- بحث مشتق ۳۸
- بند سوم: علاقه مشارف (مایکون) ۳۹
- بند چهارم: علاقه ظرف و مغزوف (محلّیت) ۴۰
- بند پنجم: علاقه کل به جز ۴۱
- گفتار سوم: قرینه صارفه (قرینه مجاز) ۴۲
- بند اول: قرینه صارفه لفظی (به هر قرینه لفظی قرینه مقابله هم می گویند) ۴۲
- بند دوم: قرینه صارفه غیر لفظی (با همان قرینه حالیّه، مقابله یا عقلی یا ز راه مجازی) ۴۳
- بند سوم: قرینه معینه (قرینه اشتراک) ۴۴
- سطر اول: قرینه معینه لفظی (به قرینه لفظی قرینه مقابله هم می گویند) ۴۵
- سطر دوم: قرینه معینه غیر لفظی (قرینه حالیّه یا مثلمیه یا عقلی) ۴۵
- گفتار چهارم: راههای تشخیص معنای حقیقی از معنای مجازی ۴۶
- بند اول: تصریح واضح ۴۷
- بند دوم: تباّن ۴۷
- بند سوم: اطّراد ۴۸
- بند چهارم: عدم صحت سلب نشانه حقیقت و صحت سلب نشانه مجاز است ۴۸
- اصول لفظیه: ۵۰
- گفتار پنجم: اقسام حقیقت (اقسام معنای حقیقی) ۵۱
- تست های مروری فصل اول ۶۸

فصل دوم: لوازم و نواهی

- ۷۷ مبحث اول لوازم (امر) _____
- ۷۶ گفتار اول: تعریف امر _____
- ۷۶ بند اول: امر در لغت _____
- ۷۷ بند دوم: امر در اصطلاح _____
- ۷۸ بند سوم: ماده و هیأت امر _____
- ۷۸ بند چهارم: هیأت امر _____
- ۷۸ سطر اول: جمله انشائی _____
- ۷۹ سطر دوم: جمله خبری (اخباری) _____
- ۸۲ گفتار دوم: ماهیت امر _____
- ۸۳ بند اول: دلالت امر بر فور _____
- ۸۳ سطر اول: دلالت امر بر فور بنابر تصریح (از راه وضع یا تصریح) _____
- ۸۴ سطر دوم: دلالت امر بر فور بنابر اوضاع و احوال قرائن غیر لفظی (از راه اطلاق) _____
- ۸۵ بند دوم: دلالت امر بر تراخی _____
- ۸۵ سطر اول: دلالت امر بر تراخی بنابر تصریح _____
- ۸۶ سطر دوم: دلالت امر بر تراخی بنابر اوضاع و احوال _____
- ۸۶ بند سوم: دلالت امر بر مره یا تکرار _____
- ۸۷ سطر اول: دلالت امر بر مره _____
- ۸۷ سطر دوم: دلالت امر بر تکرار _____
- ۸۹ گفتار سوم: اقسام امر (اقسام وجوب) _____
- ۹۰ بند اول: اقسام احکام (حکم تکلیفی و حکم وضعی) _____
- ۱۰۲ بند دوم: اقسام امر (اقسام وجوب) _____
- ۱۰۳ سطر اول: واجب عینی؛ واجب کفایی _____
- ۱۰۵ سطر دوم: واجب نفسی؛ واجب غیری _____
- ۱۰۵ سطر سوم: واجب اصلی؛ واجب تبعی _____
- ۱۰۶ سطر چهارم: واجب تعبدی؛ واجب توصیلی _____
- ۱۰۷ سطر پنجم: واجب موقت؛ واجب غیر موقت _____
- ۱۱۳ سطر ششم: واجب تعیینی؛ واجب تخییری _____
- ۱۱۷ سطر هفتم: واجب مطلق؛ واجب مشروط _____
- ۱۲۰ سطر هشتم: واجب منجز؛ واجب معلق _____
- ۱۲۴ مبحث دوم نواهی (نهی) _____
- ۱۲۴ گفتار اول: تعریف نهی _____
- ۱۲۵ گفتار دوم: ماده و هیأت نهی _____
- ۱۲۵ بند اول: ماده نهی _____

۱۲۵	بند دوم: هیأت نهی (اقسام نهی)
۱۲۷	بند سوم: ماهیت نهی
۱۲۸	گفتار سوم: دلالت نهی بر قساد
۱۲۸	سطر اول: نهی در عبادات
۱۲۸	سطر دوم: نهی در معاملات (توصیلات) یا اعمال حقوقی
۱۴۵	تست‌های مروری فصل دوم

◆ فصل سوم: منطوق و مفهوم

۱۵۸	مبحث اول منطوق
۱۵۸	گفتار اول: منطوق صریح
۱۵۸	سطر اول: دلالت مطابقه (مطابقی)
۱۵۹	سطر دوم: دلالت تضمن (تضمنی)
۱۶۰	گفتار دوم: منطوق غیر صریح (دلالت التزامی، دلالت سیاقی)
۱۶۱	سطر اول: دلالت اقتضاء
۱۶۳	سطر دوم: دلالت تشبیه و ایما
۱۶۷	سطر سوم: دلالت اشاره (برای دلالت اشاره حداقل دو جمله لازم است)
۱۶۹	مبحث دوم مفهوم
۱۶۹	گفتار اول: مفهوم موافق (قیاس)
۱۷۰	بند اول: مفهوم موافق ساده (قیاس مساوات)
۱۷۵	بند دوم: مفهوم موافق برتر (قیاس اولویت)
۱۸۱	گفتار دوم: مفهوم مخالف
۱۸۱	بند اول: تعریف مفهوم مخالف
۱۸۲	بند دوم: انواع مفهوم مخالف
۱۸۴	سطر اول: مفهوم شرط
۱۹۱	سطر دوم: مفهوم غایت
۱۹۵	سطر سوم: مفهوم حصر
۱۹۶	سطر چهارم: مفهوم استثنا
۱۹۹	سطر پنجم: مفهوم وصف
۲۰۶	سطر ششم: مفهوم لقب
۲۰۸	سطر هفتم: مفهوم عدد
۲۱۸	تست‌های مروری فصل سوم

فصل چهارم: عام و خاص

۲۳۲	مبحث اول: عام
۲۳۲	گفتار اول: تعریف
۲۳۲	بند اول: تعریف عام
۲۳۴	بند دوم: تعریف خاص
۲۳۵	گفتار دوم: انواع عام
۲۳۶	بند اول: عام انفرادی (استغراقی) یا عام استبعالی (شمولی)
۲۳۹	بند دوم: عام مجموعی
۲۴۱	بند سوم: عام بدلی
۲۴۸	گفتار سوم: مشخص
۲۴۸	بند اول: تعریف مشخص
۲۵۰	بند دوم: انواع مشخص
۲۵۰	سطر اول: مشخص لفظی
۲۵۹	سطر دوم: مشخص غیر لفظی یا عقلی (لغوی)
۲۶۲	بند سوم: مسائل راجع به مشخص
۲۶۲	سطر اول: یک مشخص بعد از چند عام
۲۶۶	سطر دوم: تمسک به عام قبل از تخصص از خاص
۲۶۸	سطر سوم: تخصیص عام از طریق مفهوم
۲۷۲	گفتار چهارم: اجمال مشخص
۲۷۲	بند اول: منشا اجمال
۲۷۲	سطر اول: شبهه مفهومی
۲۷۴	سطر دوم: شبهه مصداقی
۲۷۶	بند دوم: حالات اجمال مشخص
۲۷۶	سطر اول: مشخص متصل و شبهه مفهومی دوران بین متباینین
۲۷۷	سطر دوم: مشخص منفصل و شبهه مفهومی دوران بین متباینین
۲۷۹	سطر سوم: مشخص مجمل متصل مفهومی دوران امر بین اقل و اکثر
۲۸۱	سطر چهارم: مشخص مجمل منفصل دوران امر بین اقل و اکثر
۲۸۲	سطر پنجم: مشخص مجمل متصل مصداقی
۲۸۴	سطر ششم: مشخص مجمل منفصل مصداقی
۲۹۰	گفتار پنجم: نسخ و انواع
۲۹۱	بند اول: نسخ صریح
۲۹۲	بند دوم: نسخ ضمنی یا غیر صریح
۲۹۳	سطر اول: صورت تعارض بین دو حکم یا دو قانون
۳۱۷	تست‌های مروری فصل چهارم

- ۳۳۸ _____ میبحث اول مطلق و مقید.
- ۳۳۸ _____ گفتار اول: تعریف مطلق و مقید.
- ۳۳۹ _____ بند اول: شرایط و ویژگی‌های مطلق و مقید.
- ۳۳۹ _____ سطر اول: نسبت مطلق و مقید.
- ۳۴۰ _____ سطر دوم: تلازم مطلق و مقید.
- ۳۴۵ _____ گفتار دوم: تفاوت عام و مطلق.
- ۳۴۷ _____ بند اول: تفاوت نظری عام و مطلق.
- ۳۴۹ _____ بند دوم: تفاوت عملی عام و مطلق.
- ۳۵۱ _____ گفتار سوم: علایم اطلاق (مقدمات حکمت).
- ۳۵۲ _____ بند اول: امکان اطلاق و تقیید.
- ۳۵۳ _____ بند دوم: در مقام بیان بودن متکلم.
- ۳۵۴ _____ بند سوم: نبودن قرینه تقیید.
- ۳۵۵ _____ بند چهارم: عدم انصراف.
- ۳۵۶ _____ سطر اول: انصراف بنوی (وجودها).
- ۳۵۸ _____ سطر دوم: انصراف اکمل (اجلی).
- ۳۵۹ _____ سطر سوم: انصراف ظهوری (معنایی).
- ۳۶۱ _____ بند پنجم: نبودن قدر متیقن در مقام مخاطب.
- ۳۶۳ _____ گفتار چهارم: حمل مطلق بر مقید (یعنی در صورت تعرض بین مطلق و مقید به مقید عمل می‌کنیم) —
- ۳۶۵ _____ بند اول: مطلق و مقید غیر همسان.
- ۳۶۷ _____ بند دوم: مطلق و مقید همسان.
- ۳۷۰ _____ میبحث دوم مجمل و مبین.
- ۳۷۰ _____ گفتار اول: انواع مبین (به مبین «محکم» هم می‌گوئیم).
- ۳۷۰ _____ بند اول: نص.
- ۳۷۱ _____ بند دوم: ظاهر.
- ۳۷۲ _____ گفتار دوم: مجمل (مشابه).
- ۳۷۲ _____ سطر اول: اجمال.
- ۳۷۲ _____ سطر دوم: مؤول (مؤول).
- ۳۷۸ _____ میبحث سوم بحث صحیح و اعم.
- ۳۸۵ _____ تست‌های مروری فصل پنجم.

◆ فصل اول: ادله استنباط احکام

۳۹۴	فصل اول: ادله استنباط احکام
۳۹۴	مقدمه این فصل
۳۹۶	مبحث اول کتاب (قرآن)
۳۹۶	گفتار اول: کلیات
۳۹۶	گفتار دوم: دلالت قرآن
۳۹۷	گفتار سوم: تخصیص قرآن
۳۹۸	گفتار چهارم: نسخ قرآن
۳۹۹	مبحث دوم: سنت
۳۹۹	گفتار اول: تعریف سنت
۴۰۰	گفتار دوم: خبر متواتر
۴۰۱	سطر اول: متواتر لفظی
۴۰۱	سطر دوم: متواتر معنوی
۴۰۲	سطر سوم: متواتر اجمالی
۴۰۲	گفتار سوم: خبر واحد
۴۰۲	بند اول: تعریف خبر واحد
۴۰۳	بند دوم: ادله حجیت خبر واحد
۴۰۳	سطر اول: حجیت خبر واحد از نظر کتاب (قرآن)
۴۰۴	سطر دوم: حجیت خبر واحد از نظر سنت
۴۰۵	سطر سوم: حجیت خبر واحد از نظر اجماع
۴۰۵	سطر چهارم: حجیت خبر واحد از نظر عقل
۴۰۶	بند سوم: شرایط راوی خبر
۴۰۷	بند چهارم: انواع خبر واحد
۴۰۹	مبحث سوم اجماع
۴۰۹	گفتار اول: تعریف اجماع
۴۱۰	گفتار دوم: حجیت اجماع
۴۱۰	سطر اول: حجیت اجماع از نظر کتاب (قرآن)
۴۱۱	سطر دوم: حجیت اجماع از نظر سنت
۴۱۱	گفتار سوم: طرق بی بردن به اجماع
۴۱۲	گفتار چهارم: انواع اجماع
۴۱۲	سطر اول: اجماع منقول
۴۱۳	سطر دوم: اجماع محصل
۴۱۳	سطر سوم: اجماع مرکب

۴۱۴	سطر چهارم: اجماع مدرکی (یا همان اجماع مستند)
۴۱۵	مبحث چهارم عقل
۴۱۵	گفتار اول: مستقلات عقلی
۴۱۶	گفتار دوم: غیرمستقلات عقلی (استلزامات عقلی)
۴۱۷	بند اول: اقسام مقدمه
۴۱۸	سطر اول: تقسیم مقدمه از جهت مبنای وابستگی
۴۱۹	سطر دوم: تقسیم مقدمه از جهت زمان وابستگی ذی المقدمه به مقدمه
۴۲۴	سطر سوم: تقسیم مقدمه از جهت میزان و اندازه وابستگی
۴۲۷	بند دوم: این در شیء این در لوزم

♦ سایر ادله

۴۳۰	مبحث اول قیاس
۴۳۰	گفتار اول: تعریف قیاس
۴۳۰	گفتار دوم: انواع قیاس
۴۳۱	بند اول: قیاس منصوص العله (قیاس اجلی، قیاس اعلی)
۴۳۲	بند دوم: قیاس مستنبط العله (قیاس خفی، قیاس لثنی)
۴۳۲	بند سوم: برخی عناوین در قیاس
۴۳۲	سطر اول: تشخیص مناط قطعی
۴۳۴	سطر دوم: تخریج مناط
۴۳۴	سطر سوم: وحدت طریق بین دو مسأله
۴۳۵	سطر چهارم: وحدت ملاک
۴۳۵	سطر پنجم: تحقیق مناط
۴۳۶	مبحث دوم: مصالح هر سله (استصلاح)
۴۳۷	مبحث سوم: استحسان
۴۳۹	مبحث چهارم: سد ذرایع

♦ فصل دوم: «فهارات»

۴۴۲	مبحث اول تقسیمات احکام
۴۴۲	گفتار اول: احکام اولیه
۴۴۳	گفتار دوم: احکام ثانوی
۴۴۴	گفتار سوم: احکام واقعی
۴۴۵	گفتار چهارم: احکام ظاهری
۴۴۹	مبحث دوم دلیل (ادله)
۴۴۹	گفتار اول: دلیل بمعنای اخص

تعریف وضع و انواع آن

قبل از مطالعه توصیه می‌کنیم مقدمه مولف را حتماً بخوانید تا شیوه مطالعه این درس را بیاموزید.

گفتار اول: تعریف وضع

وضع الفاظ؛ یعنی برای اشیاء و اجسام و مفاهیم خارجی یا مفاهیم ذهنی اسم انتخاب کردن. وضع کردن؛ یعنی قرار دادن؛ یعنی یک کلمه‌ای را برای یک معنی قرار دادن، در حقوق هم ما با مواد قانونی سروکار داریم، که این مواد قانونی از یک سری کلماتی تشکیل شده‌اند ما باید به عنوان یک حقوقدان بدانیم که این کلمات چه معانی خاصی می‌دهد و چطور این کلمات این معانی را به خود گرفته‌اند، آیا از اول همین معنی را داشته‌اند، یا این که ابتدای کار معانی دیگری داشته‌اند اما در اثر مرور زمان معانی جدید پیدا کرده‌اند؟ اگر در متن ماده با کلماتی مواجه شدیم که چند معنی دارند، یا این که در قدیم یک معنی خاصی داشته‌اند و الان معنی جدید دارند الان به نظر شما به عنوان یک حقوقدان کدام معنی را بپذیریم؟

اشتراک لفظی: یک لفظ برای چند معنا وضع شود (لفظ واحد است ولی معانی متعدد) که، در اصطلاح، به آن اشتراک لفظی گویند.

مثل کلمه شیر که سه معنی متفاوت می‌دهد، شیر جنگل، شیر خوردنی، و شیر آب، نگاه کنید یک کلمه است ولی سه معنی متفاوت دارد، به این کلمه می‌گوییم مشترک لفظی؛ یعنی در لفظ، مشترک ولی در معنی متفاوت.

● لفظ «جایز» در قانون مدنی مشترک لفظی است؛ چون هر یک جا یک معنی متفاوت



ماده ۳۶۰ ق.م.: «هر چیزی که فروش آن مستقلاً جایز است، استثنای آن از مبيع نیز جایز است.»

ماده ۵۵۰ ق.م.: «مضاربه عقدی جایز است.»

لفظ «جایز است» در ماده ۳۶۰ ق.م. یعنی؛ اشکال ندارد.

اما در ماده ۵۵۰ ق.م. جایز است؛ یعنی عقد جایز است که در مقابل عقد لازم قرار می‌گیرد، یعنی عقدی که با فوت، سفته، حجر و یا جنون هر یک از طرفین منفسخ می‌شود.

● کلمه حق در قانون اساسی و قانون کار که دو معنی دارد هرچند یک کلمه واحد است.

❖ اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ‌کس نمی‌تواند اجرای حق خود را وسیله‌ی اضرار دیگری قرار دهد.»

❖ ماده ۲ قانون کار: «کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق السعی اعم از مزد، حقوق سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند.»

عبارت حق در اصل ۴۰ قانون اساسی به معنای امتیاز و سلطه است که یک معنای کلی از حق است؛ اما در ماده ۲ قانون کار به معنای دستمزد یا حق‌الزحمه یا اجرت است.

تست ○○○○

(۱۰ کالت، ۸۱)

- مشترک (اشتراک) لفظی چیست؟

الف) لفظی که بر مصادیق متعددی دلالت می‌کند.

ب) لفظی که دارای معانی حقیقی و مجازی است.

ج) لفظی که در معنی، مترادف با لفظ دیگر است.

د) لفظی که برای بیش از یک معنی حقیقی وضع شده است.

● گزینه‌ی «د» صحیح است.

مترادف (ترادف): بر عکس اشتراک لفظی؛ ترادف یعنی چند کلمه داریم که یک معنی دارد

ولی اشتراک لفظی یعنی یک کلمه چند معنی دارد.

مثل دیه و خون‌بها، رجم و سنگسار، بیع و خرید و فروش، صغیر و کودک. دو کلمه، ولی با یک معنی واحد، به این کلمات مترادف می‌گویند.

● مثال‌های حقوقی:

الفاظ **صداق** و **مهر** در ماده ۱۰۶۹ قانون مدنی مترادفند، که مقرر می‌دارد: «شرط خیار فسخ نسبت به عقد نکاح باطل است ولی در نکاح دائم، شرط خیار نسبت به صداق جایز است مشروط بر این‌که مدت آن معین باشد و بعد از فسخ مثل آن است که اصلاً مهر ذکر نشده باشد». مهر و صداق مترادف هستند.

● الفاظ **حضانة** و **نگهداری** در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مترادفند که مقرر می‌دارد: «برای حضانة و نگهداری طفلی که ابوی او جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است».

● الفاظ **اقاله** و **تفاسخ** در ماده ۲۸۳ قانون مدنی مترادفند که مقرر می‌دارد: «بعد از معامله، طرفین می‌توانند به تراضی آن را **اقاله** و **تفاسخ** کنند».

نکته مهم:



هرگاه در یک ماده قانونی، قانون‌گذار از دو لفظ به ظاهر هم‌معنا استفاده کند و آن‌گاه شک کنیم که آیا آن دو لفظ معنای واحدی دارند (مترادف) یا این‌که هر کدام از آن الفاظ دارای معنای خاص خود می‌باشند در اینجا اصل بر مختص بودن است، یعنی هر کلمه معنای خاص خود را دارد یا مطابق اصل عدم ترادف می‌گوییم اصل بر این است که آن دو لفظ مترادف نیستند. یا اینکه حتی رأی وحدت رویه‌ی قضائی داریم که در ضمن رأی شماره ۷۴ مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۲۷ آمده، دلالت بر اصل عدم ترادف دارد؛ زیرا اشاره کرده است که: «ذکر کلمات مترادف و دارای معنا واحد در قانون غیرمعقول است...» و اگر، شک کنیم آیا فلان کلمه مشترک لفظی

است یا خیر در اینجا می‌گوییم مشترک لفظی نیست و اصاله عدم الاشتراک جاری می‌کنیم.



(۹۳ کلمات)

- کدام مورد، مثالی برای لفظ مترادف است؟

(ب) محاربه و اسد فی الارض

(الف) رجم و سنگسار

(د) قاضی و حاکم شرع

(ج) دادگاه و مرجع قضائی

* گزینه‌ی «الف» صحیح است.

اگر یک لفظ معنای عام‌تر یا وسیع‌تری را دربرگیرد، در این مورد نمی‌توانیم آن دو لفظ را مترادف تلقی کنیم؛ مانند آنچه در گزینه‌های «ب»، «ج» و «د» آمده است. زیرا مفسد فی الارض اعم از محاربه است و دقیقاً هم معنا نیستند، همین‌گونه است قاضی و حاکم شرع و دادگاه و مرجع قضائی. در واقع در ترادف باید دو کلمه عیناً یک معنی بدهند. مثل گزینه الف

❖ **مشترک معنوی:** مشترک معنوی یعنی این که یک لفظ، چه بسا یک معنی پیش‌تر ندارد، ولی چون معنی کلی است لذا مصادیق متعدد دارد؛ مانند لفظ انسان که چندتا معنی ندارد بلکه یک معنی دارد ولی دارای مصادیق زیادی است، (حداقل الان هفت میلیارد مصداق در جهان). یا مثلاً کلمه خیار دارای مصادیق متعدد است (خیار مجلس، خیار وصف، خیار غبن و...) لذا این کلمه مشترک معنوی است.

پس اشتراک لفظی لفظ دلالت بر معانی متعدد میکند و اشتراک معنوی کلمه مصادیق متعدد دارد؛ بنابراین، هر لفظی را از دو جهت می‌توان بررسی کرد: یکی از جهت دلالت بر معنا و مفهوم و دیگری از جهت مصداق؛ مانند لفظ بیع که از حیث دلالت بر معنا بر دو معنا دلالت دارد: یکی خریدن و دیگری فروختن، که از این حیث اشتراک لفظی است. اما لفظ بیع یک عبارت کلی است که بر مصادیق و انواع مختلف هم تقسیم می‌شود؛ از جمله بیع شرط، بیع قطعی، بیع صرف؛ بیع نسبه، بیع سلف، که از این زاویه اگر نگاه کنید لفظ بیع مشترک معنوی نیز می‌باشد.